

ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها)

شبکه سلام

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۷/۰۴/۰۶

آقای هدایتی

با توجه به این که ایام ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) است، مقداری درباره آن بزرگوار صحبت بفرمائید و هم چنین نظر أهل سنت را درباره سال ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها)، با توجه به کتب تاریخی معتبرشان، توضیح دهید.

استاد حسینی قزوینی

برادران عزیز و همکاران گرامی در **شبکه سلام**، به اندازه کافی درباره ولادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله عليها) سخن گفتند و اگر من بخواهم از این فرصت استفاده کنم و تبرک بجویم، از کلام محمد جریر طبری شیعی بگویم که از مفضل بن عمر نقل میکند: **عن المفضل بن عمر، قال: قلت لأبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام): كيف كانت ولادة فاطمة (عليها السلام)؟ قال: نعم، إن خديجة (رضوان الله عليها) لما تزوج بها رسول الله (صلي الله عليه و آله) هجرتها نسوة مكة، فكن لا يدخلن عليها، و لا يسلمن عليها، و لا يتركن امرأة تدخل عليها، فاستوحشت خديجة من ذلك ... فوجهت إلي نساء قريش و بني هاشم ليلين منها ما تلي النساء من النساء. فأرسلن إليها بأنك عصيتنا، و لم تقبلي قولنا، و تزوجت محمدا، يتيم أبي طالب، فقيرا لا مال له، فلسنا نجيتك، و لا نلي من أمرك، فاغتمت خديجة لذلك. فبينما هي في ذلك إذ دخل عليها أربع نسوة طوال كأنهن من نساء بني هاشم، ففزعت منهن، فقالت لها إحداهن: لا تحزني - يا خديجة - إنا رسل ربك إليك، و نحن أخواتك، أنا سارة، و هذه أسيية بنت مزاحم و هي رفيقتك في الجنة، و هذه مريم بنت عمران، و هذه صفوراء بنت شعيب، بعثنا الله إليك لنلي من أمرك ما تلي النساء من النساء.**

از امام صادق (عليه السلام) پرسیدم که ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) چگونه بوده است ؟

معلوم می شود که ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) برای شیعیان، يك ولادت طبیعی نبوده و در میان سایر

فرزندان نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) از يك ویژگی خاصی برخوردار بوده که از امام (عليه السلام) سوال می کند.

حضرت به صورت مفصل قضیه ازدواج حضرت خدیجه (سلام الله عليها) را و عصبانیت زنان مکه را مطرح می کند که به خاطر

ازدواج با رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) که يك یتیمی بیشتر نبود، داراي مال و مکتبی نبود. با حضرت خدیجه (سلام الله

عليها) قهر کردند. حتی شب ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) که درد زایمان بیشتر شد، سراغ زنان مکه و قریش

فرستاد. همه گفتند که چون شما برخلاف رأي ما، با يك یتیم ازدواج کردید، ما از حضور خودمان در رابطه با ولادت فرزندت

معذور هستيم حضرت خديجه (سلام الله عليها) خيلي ناراحت بود، تا اين كه مشاهده کرده زباني بلند قد را كه در كنارش هستند. اول ناراحت شد و سپس از آنها خواست كه خود را معرفي كنند. آنها هم خود را معرفي كردند: ساره و آسيه و مريم و صفورا بنت شعيب. گفتند كه خداوند ما را از بهشت فرستاده تا در اين ولادت، بجاي زنان قريش از تو پرستاري كنيم و در ولادت اين نوزاد مبارك مساعدت كنيم. با مساعدت آنها، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) قدم به گيتي نهاد و اولين لحظه به سخن درآمد:

فَنطقت فاطمة (عليها السلام) بشهادة أن لا إله إلا الله، و أن أبي رسول الله سيد الأنبياء، و أن بعلي سيد الأوصياء، و أن ولدي سيدا الأسباط.

شهادت بر وحدانيت خداوند و رسالت رسول خدا (صلي الله عليه و آله) و وصايت شوهر بزرگوارش امير المؤمنين (عليه السلام) و امامت فرزندان بزرگوارش داد.

دلائل الامامة للطبري، ص 77 تا ص 79

امام بخش دوم سوال، در مورد نظر اهل سنت نسبت به ولادت بانوي دو سرا، حضرت صديقه طاهره (سلام الله عليها)، بايد عرض كنم كه روايات اهل سنت در اين مورد مختلف است و هر کدام از مورخان آنها، نظر ويژه اي در اين زمينه داده اند. برخي مي گویند كه در سال بناي كعبه، يعني 5 سال قبل از بعثت، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) به دنيا آمد.

تاريخ الخميس، ج 1، ص 277 - مقاتل الطالبين، ص 48

برخي مي گویند كه 7 سال قبل از بعثت به دنيا آمد.

ذخائر العقبى، ص 52 - تاريخ الخميس، ج 1، ص 278

برخي 12 سال قبل از بعثت مي دانند.

الإستيعاب لابن عبد البر، ج 4، ص 374 - المستدرک علي الصحيحين للحاكم النيشابوري، ج 3، ص 161

اينها اقوال اهل سنت است كه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) قبل از بعثت به دنيا آمد.

برخي مي گویند كه در سال بعثت پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) به دنيا آمد.

تاريخ الخلفاء للسيوطي، ص 75 - تهذيب التهذيب لابن حجر العسقلاني، ج 2، ص 441

برخي مي گویند سال دوم بعثت به دنيا آمد.

نهايه الفرق، ج 18، ص 213 - الإستيعاب در حاشيه الاصابه، ج 4، ص 374

برخي هم معتقدند كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) 41 ساله بود كه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) به دنيا آمد.

المستدرک علي الصحيحين للحاكم النيشابوري، ج 3، ص 163 - دلائل النبوة للبيهقي، ج 3، ص 71 - تاريخ مختصر تاريخ

نظر حق و صحیح، نظری است که اهل بیت (علیهم السلام) بیان کرده اند که سال 5 بعثت، نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) بنا بر آنچه که در روایات معتبر شیعه آمده، به امر الهی از تا 40 روز از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دوری گزید و با او نزدیکی نکرد. بعد از 40 روز، میوه بهشتی، که بنا بر نقلی سیب بوده، تناول کرد و از میوه بهشتی، نطفه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) منعقد شد و سال 5 بعثت، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) به دنیا آمد و روزی هم که از دنیا رفت، 18 سال بیشتر نداشت.

البته این، مضافاً بر این که در کتاب های معتبر شیعه، مثل **کافی** و **مصباح کفعمی**، **دلایل الإمامة**، **مناقب ابن شهر آشوب**، **کشف الغمّة** و صدها منابع شیعه است، این نظریه را برخی بزرگان اهل سنت نیز داده اند: طبری در **ذخائر العقبی**، **صفحه 59** و **تاریخ الخمیس**، **جلد 1**، **صفحه 278** نقل می کنند از امام ابوبکر احمد بن نصر بن عبدالله، **مروج الذهب**، **جلد 2**، **صفحه 289**. این تقریباً خلاصه ای از آراء اهل سنت بود نسبت به ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها). البته نظریه سال 5 بعثت را، افراد زیادی از اهل سنت، تقریباً به صورت ضمنی مطرح کرده اند: مثل **المستدرک علی الصحیحین**، **جلد 3**، **صفحه 156** و **الدر المنثور سیوطی**، **جلد 4**، **صفحه 153** و **تاریخ بغداد خطیب بغدادی**، **جلد 5**، **صفحه 87** و ...

* * * * *

آقای هدایتی

طبیعی است که وقتی کسی می خواهد از تاریخ ولادت کسی اطلاع پیدا کند، از اقوام و بستگان آن شخص سوال می کند، نه از غریبه ها. ائمه (علیهم السلام) در این مورد اتفاق نظر دارند و بیان فرموده اند که ولادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) سال 5 بعثت بوده است. برخی تواریخ عامه هم این را ذکر کرده اند. دیگرانی هم که خواستند ولادت را به قبل از بعثت موکول کنند، خواسته اند فضیلت بزرگ انعقاد نطفه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را همراه آن سیب بهشتی، انکار کنند. سوالات من درباره فضائل حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) و سیره آن بزرگوار و این که الگو برداری از آن بزرگوار را چگونه می توانیم تبیین و شرح داشته باشیم، است.

متأسفانه شبنامه ای را بدون ذکر نام و مشخصات، کسانی که مخالفت می کنند با ارزش های مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، انتشار کرده اند. من مسافرتی که به کشورهای حاشیه خلیج فارس داشتم، کتاب هایی را با اسامی متعددی جعلی و قلابی چاپ کرده اند. این هم نشانه ای دیگر از ضعف و ناتوانی آنهاست.

قبل از آنکه بپردازیم به مطالبی که در آن شبنامه مطرح شده، خواستم توضیحاتی بفرمائید پیرامون نظر اهل سنت درباره مقایسه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) با خلفاء و هم چنین حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با عایشه.

استاد حسینی قزوینی

در رابطه با قضیه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) از دیدگاه اهل سنت، تقریباً این قضیه از یک پیچیدگی خاصی برخوردار است. اینها یک سری روایاتی در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) نقل کرده اند، حتی در صحاحشان می بینند که مشابه این روایات، در شأن ابوبکر و عمر و عثمان و عایشه و یا حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ام المومنین، نیامده است. از آن طرف هم، فضیلتی برای خلفاء قائل هستند که نمی خواهند در این زمینه کوتاه بیایند. مثلاً وقتی به حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) می رسند، با این تعبیر که:

فاطمة سیده نساء اهل الجنة

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، خانم و بانوی تمام زنان بهشتی است.

صحیح بخاری، ج 4، ص 209 و 219

یا در بعضی جاها آورده اند:

فاطمة سیده نساء العالمین.

أسد الغابة في معرفة الصحابة لابن الأثير، ج 4، ص 16

یا این که نقل می کنند:

و كانت إذا دخلت عليه قام إليها فقبلها و رحب بها و اخذ بيدها، فأجلسها في مجلسه.

وقتی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) وارد محضر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) می شد، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) تمام قد، برای ایشان بلند می شد. او را می بوسید و خوش آمد می گفت و دست او را می گرفت و در کنار خودش می نشاند.

المستدرک علي الصحيحين للحاكم النيشابوري، ج 3، ص 160 - فتح الباري شرح صحيح البخاري لابن حجر العسقلاني، ج 8، ص 103

و حال این که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)، این چنین برخوردی نسبت به هیچ يك از صحابه نداشته است. حتی من عبارتی نسبت به امیر المؤمنین (علیه السلام) در این رابطه ندیده ام تا چه رسد به دیگر صحابه.

لذا روی این جهت، برخی بزرگان اهل سنت، مثل سبکی که از علمای بزرگ و استوانه های علمی اهل سنت است، گفته:

الذي نختاره و ندين الله به، ان فاطمة أفضل ثم خديجة ثم عائشة و استدل لفضل فاطمة بما تقدم في ترجمتها انها سيدة نساء

المؤمنين.

آنچه که ما بر آن عقیده داریم و دیانت الهی را بر آن استوار کرده ایم، این است که فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، از خدیجه و

عایشه افضل بوده است.

البتة با آن فضائلي که براي عايشه نقل کرده اند، مثل:

خذوا نصف دينكم من حميراء

بعدا بايد ببينيم که اين روايات صحت داشته يا آن که در زمان بني اميه اين چنين روايات جعل شده و در ميان مردم منتشر شده

است؟

جالب اين است که جناب مناوي در يك صفحه بعد نقل مي کند:

ان فاطمة و اخاها ابراهيم، افضل من الخلفاء الاربعه باتفاق.

فاطمه و برادرش ابراهيم، افضل هستند از خلفاء اربعه، به اتفاق مسلمين.

فيض القدير للمناوي، ج 4، ص 556

البتة اين که مقام حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در مقايسه با امير المؤمنين (عليه السلام) چگونه است؟ إن شاء الله در

فرصت مناسب، عقیده شيعه را در اين زمينه نقل خواهيم کرد.

* * * * *

آقاي هدايتي

سوال ديگر من، پيرامون برخوردی است که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) با هيئت حاکمه داشتند. در اين زمينه

گفتگوها فراوان است. حتي اختلاف نظرهای زيادي وجود دارد. برخي هم ادعا کرده اند که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله

عليها) برخورد و واکنشي نشان ندادند.

برخورد حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) و بهترين شيوه اي که آن بزرگوار اتخاذ کردند در آن شرايط بسيار حساس تاريخ

اسلام و وضعيت مسلمانان، در برابر هيئت حاکمه چه بوده است؟

استاد حسيني قزويني

در اين زمينه، سوال مختصر بود؛ ولي پاسخ، احتياج به جلسات متعددي دارد. من خيلي خلاصه عرض کنم که برخورد حضرت

فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در اين مورد، يك برخورد كاملا جدي و به عنوان حمايت از امر امامت و خلافت بود. از زماني که

اين منصب خلافت حذف شد و حقوق امير المؤمنين (عليه السلام) پايمال شد و به تعبير خود امير المؤمنين (عليه السلام):

أري تراثي نهبا.

نهج البلاغه، خطبه 3

که حق امير المؤمنين (عليه السلام) به يگما رفت، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) به عنوان يك سرباز مدافع ولايت، با تمام

کوشش وارد میدان شد و از هرگونه حمایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در برابر هیئت حاکمه و محکوم کردن آنها، دریغ نورزید. ابتدا حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) آمد در مسجد خطبه قراء و آتشینی خواند، بطوری که مردم را متأثر کرد که خلیفه اول، عکس العملی نشان داد که بعداً گفته خواهد شد. بعد از آن، شب‌ها در کنار امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دست امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) را می‌گرفت و درب خانه مهاجرین و انصار را می‌زد و در حمایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و محکوم کردن هیئت حاکمه تلاش می‌کرد.

شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد المعتزلي، ج 11، ص 14

وقتی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) دید که این قضیه فایده‌ای ندارد و هیئت حاکمه هم احساس کرد که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) با این تلاشش، وجهه آنها را در میان مردم مخدوش می‌کند و جامعه را نسبت به هیئت حاکمه بدبین می‌کند؛ لذا بعد از این قضیه بود که هجوم به خانه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) آغاز شد. این شاء الله در فرصت مناسب، نسبت به هجوم‌های به خانه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) بحث خواهیم کرد. طبق بررسی‌های من، سه مرتبه به خانه آن حضرت هجوم آوردند. هجوم اول، به دنبال حمایت‌های بی‌دریغ حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) و خطبه قراء ایشان در مسجد بود. اینها دیدند که اگر حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) به این شکل جلو برود، پایه‌های حکومتی آنان متزلزل می‌شود؛ لذا قنفذ - غلام عمر - را فرستادند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بیاورند برای بیعت. داستان را قبلاً مفصل گفته ایم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود که چه زود بر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) دروغ بستید. امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رفتن ممانعت کرد و بعد با یاران انبوه آمدند و عده‌ای در پشت درب منزل امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودند و حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) فریاد برآورد:

نادت بأعلي صوتها: يا أبتا يا رسول الله! ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب و ابن أبي قحافة.

بعد از فریاد حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، مردم برگشتند. باز آمدند و آن قضیه درگیری خلیفه دوم با زبیر بود که شمشیر زبیر شکسته شد. در برخی منابع، نشان می‌دهد که زدن حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، در این قضیه بود. برخی هم نشان می‌دهد که در هجوم سوم بود که آمدند حضرت علی (علیه السلام) را کشان کشان به مسجد بردند و باز حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، بنا به نقل ابن قتیبه دینوری در کتاب **الإمامه و السياسة**، دوشادوش امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مسجد آمد و همان‌جا اعتراض کرد و مانع هجوم و تعرض مردم به امیرالمؤمنین (علیه السلام) شد که در آنجا بود که خلیفه دوم به ابی بکر گفت:

يا خليفة رسول الله! لماذا لا تأمر فيه بأمرك؟ فقال: لا أكرهه علي شيء ما كانت فاطمة إلي جنبه.

چرا نسبت به حضرت علی (علیه السلام)، حرف آخر را نمی‌زنی؟ ابوبکر گفت: مادامی که يك حمایت‌گري همانند حضرت فاطمه

زهراء (سلام الله عليها) دارد، من حضرت علي (عليه السلام) را به چیزی اجبار نمی‌کنم.

الإمامة و السياسة لابن قتيبة الدينوري، تحقيق شبيري، باب كيف كانت بيعة علي بن ابيطالب، ج 1، ص 30

بعد از این قضایا بود که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) دید با اینطور حمایت کردن و وارد صحنه شدن، نتیجه نمی‌گیرد. شاید حدود 30، 40 روز گذشته بود که قضیه غصب فدک پیش آمد و باز حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) وارد میدان شد و با خلیفه اول، به عنوان این که آن را پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) به او بذل کرده بود و خلیفه اول شاهد خواست و او هم حضرت علي (عليه السلام) و امام حسن (عليه السلام) و امام حسین (عليه السلام) و ام ایمن را به عنوان شاهد آورد و او قبول نکرد. بعد به عنوان ارث مطالبه کرد و نتیجه نداد. حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) مبارزه منفی را شروع کرد؛ یعنی قهر کردن و سخن نگفتن با خلیفه اول و دوم؛ بطوری که این قضیه بین مردم پیچید که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) از هیئت حاکمه غضبناک است و با ابوبکر و عمر حرف نمی‌زند و این قضیه بر هیئت حاکمه سنگین بود و نمی‌توانستند این را تحمل کنند و عبارتی است که در صحیح بخاری و مسلم آمده است:

إن فاطمة غضبت علي ابوبكر و لم تكلمه حتي توفيت.

بعد، خلیفه اول و خلیفه دوم رفتند به خانه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) تا با جلب رضایت او، بتوانند این جو حاکم علیه خودشان را در جامعه، به نوعی بخوابانند تا این قضیه علیه آنها استفاده نشود. در آنجا هم حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) با کمال شهامت در برابر خلیفه اول و خلیفه دوم ایستاد و فرمود:

و لئن لقيت النبي لأشكونكما إليه، فقال أبوبكر أنا عائذ بالله تعالي مني سخطه و سخطك يا فاطمة، ثم انتحب أبو بكر يبكي ... و هي تقول : و الله! لأدعون الله عليك في كل صلاة أصليها، ثم خرج باكيا فاجتمع إليه الناس.

فردای قیامت اگر من پیش خدای تعالی بروم، قسم به خدای عالم که پیش پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)، از شما دو نفر شکایت خواهم کرد. خلیفه اول شروع کرد به گریه کردن و حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) رو کرد به او گفت: قسم به خدا که بعد از هر نماز، بر تو نفرین خواهم کرد.

الإمامة و السياسة لابن قتيبة الدينوري، تحقيق شبيري، باب كيف كانت بيعة علي بن ابيطالب، ج 1، ص 30

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در مبارزه با هیئت حاکمه، به اینها هم اکتفاء نکرد. موقعی که از دنیا می‌رفت، برای این که از حضور خلیفه در مراسم تشییع و نماز و دفن او، برای خودشان وجهه‌ای درست نکنند و بگویند که ما خلیفه پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) بودیم و چون بر بدن پاک حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) نماز خواندیم، حضرت صدیقه طاهره (سلام الله عليها) وصیت کرد که او را شبانه دفن کنند و اجازه ندهند که هیئت حاکمه در مراسم دفن حضرت صدیقه طاهره (سلام الله عليها) حاضر شوند. صریح صحیح بخاری و مسلم است که می‌گوید:

فلما توفيت دفنها زوجها علي بن أبي طالب ليلا و لم يؤذن بها أبا بكر وصلي عليها علي .

وقتي از دنيا رفت، او را شبانه دفن کردندف بدون اين که به ابوبکر خبر بدهند و حضرت علي (عليه السلام) بر او نماز خواند .

صحيح بخاري، ج 5، ص 82 - صحيح مسلم، ج 5، ص 154

اينکه اين قضيه به اين شکل انجام گرفت، نشانگر اين است که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها)، حتي بعد از وفات خود هم، به فکر مبارزه با هيئت حاکمه و حمايت از حقانيت امير المؤمنين (عليه السلام) بوده است .

* * * * *

آقاي هدايتي

در برخي از شبنامه ها نکاتي مطرح شده، از جمله اين که در آن آمده :

ظلمي که به حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) روا داده شده، حضرت علي (عليه السلام) در مقابل ظلم به ايشان سکوت کرده اند و واکنش و عکس العملي از خودشان نشان ندادند. حتي در بعضي از گفته ها و نوشته ها اينطور استفاده مي کنند که اساسا ظلمي صورت نگرفته و اگر ظلمي صورت مي گرفت، امير المؤمنين (عليه السلام) با آن شجاعت خود، که کسي جرأت رويارويي با آن بزرگوار را نداشت و قهرماني هاي او در همه عرصه هاي نبرد وجود داشته و زبانزد عام و خاص بوده، قابل قبول نيست که حضرت علي (عليه السلام) با اين شجاعتش، نظاره گر ظلم و ستم فراواني باشند نسبت به همسر بزرگوارش حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها).

در اين باره توضيحاتي بدهيد تا اين نکته ابهام، براي ما و شنوندگان عزيز روشن شود.

استاد حسيني قزويني

در رابطه با اين شبنامه که در همان ايام فاطميه، در برخي شهرهاي سني نشين و حتي در برخي شهرها مثل تهران و قم هم پخش شده، هدفشان اين بود که اين ايام فاطميه که هر سال باشکوه تر از سال گذشته انجام مي گيرد، زير سوال ببرند و مخدوش کنند. البته در روز شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در يکي از شهرهاي شرقي ايران، يك سري کارهايي انجام شد و عزيزاني که براي مراسم عزاداري آمده بودند، ماشين شان را آتش زدند و شيشه هايش را شکستند. من خودم با دو نفر از کساني که ماشين شان دچار آتش شده بود، تلفني صحبت کردم. يکي از اينها به من گفت که من با زن و بچه ام داشتم مي رفتم، حتي تابلويي به منظور اهانت به خليفه دوم هم پشت ماشين من نبود، آمدند درب ماشين من را باز کردند و زن و بچه من را پياده کردند و مادر خانم سرش خورد به شيشه ماشين و الان در بيمارستان بستري است و ماشين من را خورد کردند. يك ماشين پژو هم پشت سر من بود، آن را خورد کردند و آتش زدند. به هر کس که لباس سياه به نشانه عزاداري حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) به تن داشت، متعرض مي شدند. بعضي از چادرهاي مشکي را از سر زنان

پایین می کشیدند. این عکس العمل ها، قطعاً قبیح و زشت و محکوم است و نتیجه ای جز جریحه دار کردن عواطف و

احساسات شیعیان ندارد.

البته بنده این را هم عرض کنم که آن دسته از عزیزان شیعه، خصوصاً سنی نشین، برخی مطالب و شعارهایی که موجب جریحه دار شدن عواطف اهل سنت هم باشد را پشت ماشین ننویسند. قطعاً حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) و مراجع عظام تقلید هم به این قضیه راضی نیستند که ما یک سری احساساتی را از خود نشان بدهیم که موجب بعضی از فتنه ها در جامعه بشود. ما ببینیم که آقایان مراجع عظام تقلید چه نظری دارند. اگر آنها گفتند که شما این چنین شعارها را پشت ماشین های تان بچسبانید، ما انجام می دهیم؛ ولی مادامی که آنها هم چنین روشی را دستور نداده اند و یا نهی می کنند، از عزیزان شیعه، عاجزانه و ملتسانه می خواهیم که در این زمینه مطابق نظرات مراجع عظام تقلید (حفظهم الله تعالی) حرکت کنند.

در مورد شبنامه، من اوائل شب بود که داشتم یکی از ماهواره های عربستان سعودی را نگاه می کردم، یک بیانیه ای صادر شد مبنی بر زیر سوال بردن شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها). ساعت 11 شب بود که دیدیم **شبکه المستقله**، همان را زیر نویس کرد. اول اذان صبح بود که عزیزانی از زابل و زاهدان و برخی شهرهای شرقی کشور به بنده زنگ زدند که دیشب یک شب نامه ای در منازل ما انداخته اند و وقتی به من ایمیل کردند، دیدم عین همان مطالبی است که ماهواره عربستان سعودی و **ماهواره المستقله** بیان کرده است. این نشان می دهد که بین وهابیون و تندروهای مناطق سنی نشین با وهابیت خارج از کشور، هماهنگی خاص و ویژه ای برخوردار است و این مایه تأسف بود برای من. البته بعد از آن از چند مرکز، پاسخ هایی به این مطالب داده شد و در سطح شهر پخش شد.

سوالی که حضرت عالی فرمودید که در شب نامه، اولین سوال آنها بوده که اگر واقعا این قضیه اتفاق افتاده، چرا امیر المؤمنین (علیه السلام) در برابر این تهاجم و ظلم به حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) عکس العمل نشان ندادند، در منابع شیعه، مفصل داریم که مرحوم مجلسی (ره) و سلیم بن قیس (ره) و ... آورده اند که امیر المؤمنین (علیه السلام) عکس العمل نشان داد. حتی در **جلاء العیون** مرحوم مجلسی (ره) که ترجمه کتاب مرحوم سید عبدالله شبر است:

از کمر بند خلیفه دوم گرفت و محکم در وسط حیات زمین زد. در آن هنگام بود که صدای موذن به اذان برخاست و امیر المؤمنین (علیه السلام) رو کرد به حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) و گفت: زهراء جان! من در برابر اینها عاجز نیستم؛ ولی اگر با اینها به مقابله برخیزم، با توجه به این که اسلام یک دین تازه ای است و منافقین و دیگر مخالفان داخل و خارج، دنبال این هستند که این دین را از بین ببرند، لذا اگر من مقابله کنم، دین و نام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از بین خواهد رفت. حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) عرضه داشت: علی جان! من به هر نوع ظلم و ستم حاضر هستم صبر کنم، ولی تحمل این که نام پدرم، نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) از زبان ها بیفتد را ندارم.

هم چنین همین قضیه را آقای آلوسی که از مفسران به نام أهل سنت است و روحیه وهابی هم دارد، در کتاب **روح المعانی**، جلد

3، صفحه 124 از منابع شیعه نقل می کند:

فصاحت یا ابتاه!، فأخذ علي بتلابيب عمر و هزه و وجأ أنفه.

وقتی آمدند وارد خانه امیر المؤمنین (علیه السلام) شدند، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) فریاد زد که ای پدرم! به

فریادم برس. امیر المؤمنین (علیه السلام) از کمر بند خلیفه دوم گرفت و به زمین زد و دماغ و گردن او را فشار داد.

آقای آلوسی به هر نیتی که این مسئله را نقل می کند، نشان گر این است که واکنش امیر المؤمنین (علیه السلام) در منابع معتبر

شیعه، در قرن اول و دوم، کاملاً مطرح بوده و آلوسی بعد از نقل روایت، خط بطلان می کشد بر موضوع تقیه از دیدگاه شیعه.

ثانیا اگر چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را می بینیم در مکه مکرمه در برابر ظلمی که نسبت به صحابه انجام می شد،

حتی ظلمی که نسبت به یاسر و سمیه و عمار و بلال حبشی و ده ها صحابه هیچ عکس العمل نشان نداد، در سه سال در شعب

ابی طالب که در محاصره اقتصادی بودند، سخت ترین دوران را گذراند، هیچ عکس العمل نشان نداد. چون عکس العمل نشان

دادن در برابر تجاوز دیگران، منوط به قدرت و یاور است. همان طور که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مکه عکس العمل

نشان نداد، وقتی آمد مدینه و در برابر مهاجمان و مخالفان عکس العمل نشان داد و آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) هم در طول

آن 25 سال، یاور و کمکی و امکاناتی نداشت. نه تنها در قضیه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، در خیلی از قضایا

سکوت را انتخاب کردند، ولی سکوت معنادر و سکوتی که يك دنیا پیام داشت. همین امیر المؤمنین (علیه السلام) که بعد از

قضیه عثمان به خلافت نشست، در برابر مخالفان مقاومت کرد. حتی برخی افراد از امیر المؤمنین (علیه السلام) سوال کردند که

این شمشیری که در برابر زبیر و معاویه داشتی، آن روزی که حق تو را غصب کرده بودند، این شمشیر کجا بود؟ با این که شما

هر خطبه ای می خوانی، در پایان آن می گویی:

ما زلت مظلوما منذ قبض رسول الله

از روزی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت، همواره مظلومیت با من قرین بوده است.

شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد المعتزلي، ج 9، ص 306

امیر المؤمنین (علیه السلام) جواب دادند که آن روز من یآوری نداشتم و اگر یآوری داشتم، قطعا در برابر این مهاجمین مقاومت

می کردم و ساکت نمی نشستم.

مسئله ای دیگر که در اینجا باید مطرح کنیم و در برخی از پاسخ ها آمده بود، از این آقایانی که این مسئله را مطرح می کنند،

سوال می کنیم:

وقتی که به خانه عثمان ریختند و همسرش را جلوی او کتک زدند و دست او را بریدند و سه شبانه روز او را در محاصره انداختند،

چرا عثمان عکس العمل نشان نداد؟

خب، قطعاً آن زمان یاورى نداشت. آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم یاورى نداشت و صلاح جامعه را بر این مبنا استوار کرده بودند.

* * * * *

آقای هدایتی

سوال بعدی من باز در مطالب همین شبنامه است. گفته شده که شما شیعیان تا چند سال قبل، صحبت از شهادت حضرت

فاطمه زهراء (سلام الله علیها) نمی آوردید؛ چه شده که یک مرتبه به یادتان آمده است؟

یک ادعای خیلی عجیب و غریب است و نشانه عجز و ناتوانی و هم عدم آگاهی نویسنده از تاریخ و سیره پیروان اهل بیت

(علیهم السلام) و شیعیان بوده است. شاید با دستپاچگی و در مدت کوتاهی بعد از پخش آن مطلب از ماهواره وهابی ها، ایشان

سراسیمه چنین نوشته ای را تهیه کرده است.

توضیحات شما را در این زمینه می خواهیم بدانیم.

استاد حسینی قزوینی

در رابطه با قضیه شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) اگر کسی تاریخ اسلام و شیعه را مطالعه کند و ببیند، به قطع

خواهد رسید که از زمان خود آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و ائمه

(علیهم السلام)، در روایات شیعه مملو است بر این که این بزرگواران در شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) متأثر

می شدند. حتی امام صادق (علیه السلام) روایتی دارد که من منبع آن را فراموش کرده ام:

کسی می آید خدمت ایشان و عرضه می دارد که یک قضیه اسفباری را در بین راه دیدم. حضرت فرمود چه بوده؟ او گفت: یک

خانمی بود وقتی داشت می رفت، به زمین خورد و پهلویش درد آمد و یاد پهلوی شکسته حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)

کرد. مأمورین حکومتی آمدند و او را گرفتند و زندان بردند که چرا شما این قضیه را مطرح کردی. امام صادق (علیه السلام)

فرمود: برویم به مسجد و برای نجات او دعا کنیم.

یا در **نهج البلاغه**، آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن هم در آن جو خفقانی که می گوید:

فصبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی

من صبر کردم، در حالیکه خار در چشم و استخوان در گلویم بوده.

نهج البلاغه، خطبه 3 (شقشقیه)

وقتی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را دفن می کند خطاب به نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) صراحت دارد:

و ستبتک ابتک بتضافر أمتک علی هضمها فأحفها السؤال و استخبرها الحال.

به زودي دخترت تو را آگاه خواهد كرد كه امت تو در حق او چگونه ستم روا داشتند. از حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) بپرس و احوال اندوهناك ما را از او خبر گير. هنوز روزگاري سپري نشده و ياد تو فراموش نگشته كه اين چنين با پاره تن تو برخورد كردند.

أما حزني فسرمد، و أما ليلي فمسهد.

من در اين مصيبت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها)، بعد از اين حزن و اندوهم جاودانه و هميشگي است و در شب هاييم از نهايت غصه، خواب به چشمم نمي رود.

نهج البلاغه، خطبه 202

به آقاين اهل سنت، در جلسه اي كه قبل از فاطميه امسال در خدمت بينندگان عزيز بوديم، عرض كردم كه آقاي جويني، استاد ذهبي كه از علماي بزرگ و استوانه هاي علمي اهل سنت است و متوفاي 730، كه ذهبي درباره او مي گويد:

الامام المحدث الاوحد الاكمل فخر الاسلام

او امام و محدث و يگانه و كامل و مايه فخر اسلام است.

تذكرة الحفاظ ذهبي، ج 4، ص 1505

آقاين اهل سنت مي دانند كه علماي رجال، به هر كسي واژه امام استعمال نمي كنند. مانند شيعيان كه به كسي مي گویند آيت الله العظمي كه منحصر عصر خویش و يکه تاز میدان باشد، مانند آقاي بروجردي و أبو الحسن اصفهاني. همين جويني، اين قضيه را نقل مي كند كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) قبل از رحلت خود، از قضيه شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) خبر داده و فرموده:

فتكون أول من يلحقني من أهل بيتي، فتقدم علي محزونة مكروبة مغمومة مغصوبة مقتولة.

اولين كسي كه از اهل بيت من، نزد من خواهد آمد، دخترم حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) است، در حاليكه محزون است و ناراحت و حق او را غصب کرده اند و او را شهيد کرده اند.

فرائد السمطين للجويني، ج 2، ص 35-34

هم چنين در كتاب **كافي** از امام كاظم (عليه السلام)، متوفاي 179 هجري، نقل مي كند:

إن فاطمة عليها السلام صديقة شهيدة.

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) هم صديقه است و هم شهيده.

الكافي للكليني، ج 1، ص 458

نکته ديگري كه در اينجا بينندگان عزيز بايد تاريخ شيعه را مطالعه كنند؛ البته نه براي 30 يا 40 سال اخير را، بلكه در قرون

متمادي و در هر جامعه اي که براي شيعه آزادي نسبي بوده و مي توانستند عقائد خود را اظهار کنند، مراسم عزاداري براي امام حسين (عليه السلام) و مراسم عزاداري براي امام حسن (عليه السلام) کاملاً برگزار مي شد. مراسم عزاداري شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) ارتباطي به اين که بعد از سال 1377 مجلس شوراي اسلامي آمد آن را تصويب کرد ندارد. کاري که مجلس شوراي اسلامي کرد اين بود که روز شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را تعطيل رسمي اعلام کرد. حتي من تقويم هايي دارم براي چند سال قبل از انقلاب، در سال 1347 و 1348، که روز 13 جمادي الثاني را به عنوان روز شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) نوشته اند. لذا اين که اين آقايمان مي گویند که اين قضيه، دو سه سال است که در تقويم ها آمده يا يکي از ائمه جمعه مي گوید که قضيه شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در دهه اول و دوم بعد از انقلاب اسلامي در ايران نديده بوديم، با کمال معذرت مي گويم که اين خلاف و دروغ محض است. مراسم عزاداري بيوت مراجع عظام در قبل و بعد از انقلاب، حتي 200 و 300 سال قبل را ببينند، خواهند دید که در تمام جوامعي که شيعه، کوچک ترين آزادي داشت براي اظهار عقیده اش، مسئله شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را مطرح کردند.

* * * * *

آقاي هدايتي

خيلي فشرده و کوتاه بگوئيد بهترين الگو برداري از حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را در چه مي بينيد؟

استاد حسيني قزويني

در اینجا سخن بسیار است و من هم به اختصار بيان مي کنم و به سوالات بينندگان عزيز بپردازيم. در اين مورد همين بس که شيخ طوسي (ره) روايتي را در کتاب الغيبة که از کتاب هاي معتبر شيعه است، مرحوم مجلسي (ره) هم در بحار الأنوار از کتاب الغيبة شيخ طوسي (ره) آورده است که آقا حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) مي گوید:

وفي ابنة رسول الله صلي الله عليه وآله لي أسوة حسنة

الگوي نيكو در زندگي من، دختر رسول اکرم (صلي الله عليه وآله)، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) است.

الغيبة للطوسي، ص 73 - بحار الأنوار للمجلسي، ج 53، ص 180

الگو برداري از سيره حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در تمام حوزه ها است؛ در حوزه سازش با مشکلات، تربيت فرزند، برخورد مناسب با جامعه، شوهرداري مناسب. من از عزيزان تقاضا دارم که به دو سه روايتي که من در اين زمينه بدون توضيح زياد مي گويم، إن شاء الله بينندگان عزيز دقت کنند. حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) يك فرد طبيعي نبوده است. ولادت و دوران حمل او که حتي آقاي طبري در کتاب دلائل الإمامة آورده است، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) وقتي در رحم حضرت خديجه (سلام الله عليها) بود، با او سخن مي گفت و با او انس مي گرفت و با او درد دل مي کرد. زندگي حضرت فاطمه

زهراء (سلام الله عليها) از بدو انعقاد نطفه اش تا آخرین لحظه شهادتش، درس عبرت برای عموم بوده است.

من چند نمونه را ذکر می‌کنم تا سخت‌گیری‌هایی که امروز در جامعه در مورد ازدواج دارند، متأسفانه این روش و سیره صحیح ائمه (علیهم السلام) و حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) نادیده گرفته شده است. وقتی يك پسر برای دخترمان به خواستگاری می‌آید، قبل از این که از اخلاق و دیانت و برخورد اجتماعی او پرسیم، سوال می‌کنیم که شغل او چیست؟ ماشین دارد یا نه؟ خانه دارد؟ یا ... حال آنکه در مورد حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) آمده است که، آقای شعبي که از علمای بزرگ اهل سنت است و از استوانه‌های علمی فقهی آنهاست، نقل می‌کند از امیر المؤمنین (علیه السلام):

عن الشعبي قال قال علي: تزوجت فاطمة بنت محمد صلي الله عليه وسلم و ما لي و لها فرائس غير جلد كبش، نمام عليه بالليل و نعلف عليه ناضحا بالنهار و ما لي خادم غيرها.

حضرت علي (علیه السلام) می‌گوید روزی که با حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) ازدواج کردم، جز يك پوست گوسفندی، در خانه ما چیزی نبود. شب‌ها بر روی آن می‌خوابیدیم و روزها علف شتر را روی آن می‌ریختیم و خدمتگزاران در خانه نداشتیم.

کنز العمال للمتقي الهندي، ج 13، ص 682

از بینندگان عزیز، مخصوصاً از خواهرانی و مادرانی که می‌خواهند حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را برای خودشان الگو قرار بدهند و فردای قیامت پیش حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) رو سفید باشند و از شفاعت او بهره‌مند باشند، این روش حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را در امر ازدواج بکار گیرند که امروز متأسفانه یکی از مشکلات و مفاصل اجتماعی ما از همین جا سرچشمه گرفته است. روزی دهنده خداوند است. چه بسا که افرادی، ثروت زیادی در هنگام ازدواج داشتند، ولی در اثر بی‌تدبیری و بدسیاستی، تمام اموالشان را از دست دادند. افرادی هم با دست خالی ازدواج کردند، ولی وجدان کاری داشتند و تعهد خانوادگی داشتند و توانستند در مدت خیلی کوتاه به ثروت خوب و گرانبایی برسند.

نکته دیگر برای آن دسته از زنانی است که به خاطر چشم و هم‌چشمی، زندگی را بر شوهرشان تیره و تار می‌کنند؛ زندگی که باید يك محل صلح و صفا و بهشت برین باشد، به جهنم سوزان تبدیل می‌کنند و هر روز بخاطر چشم و هم‌چشمی، چیزی را از شوهر طلب می‌کنند؛ می‌خواهم که به این روایت توجه کنند:

أن علياً أصبح ساعباً، فسأل فاطمة طعاماً فقالت: ما كانت إلا ما أطعمتك منذ يومين، أثرت به علي نفسي و علي الحسن و

الحسين، فقال: ألا أعلمتني فأتيتكم بشئ؟ فقالت: يا أبا الحسن إني لأستحيي من إلهي أن أكلفك ما لا تقدر عليه.

روزی امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: زهرا جان! در خانه چه داریم؟ عرض کرد: چیزی نداریم؛ الان دو روز است که در خانه چیزی نداریم و حسن و حسین (علیهما السلام)، شکم سیر غذا نمی‌خورند. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: چرا به من

نگفتي که چيزي را تهيه کنم؟ زهرا (سلام الله عليها) گفت: من از خدايم حيا کردم که از تو چيزي بخواهم که تو را به زحمت

بياندازم.

بحار الأنوار للمجلسي، ج 41، ص 30

آيا اين خواهران عزيز که بيننده هستند، چه در داخل کشور و چه در خارج، واقعا اين چنين هستند و سيره حضرت فاطمه زهراء

(سلام الله عليها) را الگو براي خودشات قرار داده اند؟

نکته دوم که خيلي به نظر من نکته حساس و زيبايي است، اميرالمؤمنين (عليه السلام) مي فرمايد:

و الله لا اغضبنتي و لا عصنتي امرا.

بخدا قسم! در طول مدتي که با حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) زندگي کردم، يك بار هم زمينه ناراحتي مرا فراهم نکرد و

يكبار هم نافرمانی نکرد.

من احساس مي کنم اين بالاترين سعادت براي يك خانم است که 10 سال، 20 سال يا 50 سال با شوهرش زندگي کند و در اين

مدت يك کلمه چرا، در زندگي آنان به ميان نيايد و کوچکترين ناراحتي بين او و شوهرش پيش نيايد.

اينها همه نشانگر اين است که ما بايد امروز از حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) که ايام ولادت ايشان است الگو بگيريم و

مراقب حضور و غياب کودکان هم باشيم. بعضي از خانواده ها را مي بينيم که مدرسه مثلا ساعت 7 عصر تعطيل مي شود و دختر

يا پسرش ساعت 10 يا 12 شب مي آيد. نه پدر و نه مادر سوال نمي کند که کجا بوديد؟ اين برخلاف سيره حضرت فاطمه زهراء

(سلام الله عليها) است. در **بحار الأنوار** مرحوم مجلسي (ره) مي نويسد که:

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) مواظب بود که بچه ها وقتي به بيرون مي رفتند، ساعت ورودشان به خانه کاملا مشخص

بود. حتي روزي حسن و حسين (عليهما السلام) دير کردند که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) شتابان آمد بيرون و به

مكاني که آنها رفته بودند رفت و نگران بود و آنها را پيدا نکرد. تا اين که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) حضرت فاطمه زهراء

(سلام الله عليها) را خيلي آشفته ديد و رفت به دنبال آن دو و پيدايشان کرد.

بحار الأنوار للمجلسي، ج 43، ص 316

اين نشان گر اين است که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) در امر تربيت کودک، کاملا کوشا بودند.

يا:

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) امام حسن و حسين (عليهما السلام) را مي فرستاد پاي منبر رسول اکرم (صلي الله عليه

و آله) مي نشستند و بعد از تمام شدن منبر او، به خانه مي آمدند. حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) به امام حسن (عليه

السلام) مي فرمود که روي بلندي بنشين و بگو که امروز جدت پيامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) چه مطلبي را گفت. به امام

حسین (علیه السلام) می گفت که برای من بازگو کن که امروز جدت چه سخنی گفته است.

این اهتمام حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را به امر تربیت و امر خودسازی فرزندان نشان می دهد که این شاء الله ما هم به ابروی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، این توفیق را داشته باشیم. من هم توصیه می کنم به مادران و دختران و خواهران گرامی که اگر می خواهند زندگی خوش و با صفایی داشته باشند، زندگی و سیره حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در تمام زوایای زندگی، الگو و سرمشق خودشان قرار بدهند.

* * * * *

سوالات بینندگان

سوال

بنده هم نظاره گر آن اتفاقات در ایام فاطمیه بودم، ولی آنطور که آقای قزوینی گفتند نبود و کمتر از آن بود.

جواب

آنچه که بنده آمار دقیق دارم از منطقه، بعد از نماز مغرب و عشاء که حمله به شیعیان آغاز شد، 8 ماشین را شیشه هایش را خورد کردند، 2 ماشین را آتش زدند و این قطعی و مسلم است. حالا انگیزه اینها چه بوده، یک بحث دیگری است.

* * * * *

سوال

زمانی که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) به شهادت رسیدند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) چگونه غسل داده و دفن کردند. آیا همسر به همسر بعد از مرگ، نامحرم نمی شود؟

جواب

طبق وصیتی که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) کرده بود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را از زیر پیراهن غسل دادند و حتی ما در این زمینه روایتی داریم که مرحوم قطب الدین راوندی در کتاب **الدعوات**، روایتی را از مفضل بن عمر نقل می کند که:

عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: من غسل فاطمة عليها السلام؟ قال عليه السلام: ذاك أمير المؤمنين عليه السلام، قال: فاستعظمت ذلك، قال عليه السلام: فكأنك ضقت بما أخبرتك به؟ فقلت: فقد كان ذلك جعلت فداك؟ قال عليه السلام: لا تضيقن فإنها صديقة لم يكن يغسلها إلا صديق، أما علمت أن مريم عليها السلام لم يغسلها إلا عيسى عليه السلام.

می گوید از امام صادق (علیه السلام) سوال کردم که چه کسی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را غسل داد؟

معمولاً رسم است که زنان را زنان غسل می دهند.

امام صادق (علیه السلام) گفت که خود امیر المؤمنین (علیه السلام) حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را غسل داد. مفضل می گوید: که خیلی این برای من گران آمد که چطور يك زن را مرد غسل داده باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: گویا این برای تو باور کردنش مشکل است که چگونه حضرت علي (علیه السلام)، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را غسل داد. مفضل گفت: بله، اینطوری است. امام صادق (علیه السلام) گفت: حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، صدیقه بود و کسی جز صدیق، نمی تواند او را غسل دهد. آیا خبر نداری که حضرت مریم (سلام الله علیها) را، پسرش عیسی (علیه السلام) او را غسل داد.

الكافي للكليني، ج 1، ص 459، ح 4 - علل الشرايع للصدوق، ج 1، ص 184 - بحار الأنوار للمجلسي، ج 14، ص 197 - الدعوات للراوندي، ص 254

* * * * *

سوال

در مورد تلقین میت توضیح دهید که می فهمد یا نه؟

جواب

در این مورد، روایات زیادی داریم که میت را وقتی وارد قبر می کنند، مُشِيعِينَ خود را می بیند و صدای آنها را می شنود. تلقینی که می کنند، صدای او را می شنود. هم چنین اهل سنت موافق این نظریه هستند. آقای احمد بن حنبل، رئیس حنابله و در حقیقت، مقتدای دروغین وهابیت، که به دروغ می گویند ما تابع او هستیم، صراحت دارد در کتاب **السنه**، **صفحه 50**، که عذاب قبر حق است و سوال قبر توسط دو فرشته، واقعیت دارد و میت وقتی وارد قبر می شود، صدای نعل مُشِيعِينَ را می شنود. هم در **صحیح بخاری** و هم در **صحیح مسلم** آمده است.

* * * * *

سوال

در یکی از مناطق زابل، یکی از مولوی ها گفته بود که رفتن به کره ماه حرام است و شما مرتد و کافر هستید. می گوید انسان و رفتن به فضا؟! این غیر قابل باور است. توضیحی دهید.

جواب

اینها قبلاً چنین فتاوایی را هم داده اند. آقای بن باز، مفتی اعظم عربستان سعودی هم فتوا داده بود که هر کس بگوید که کره زمین گرد است و به دور خورشید می چرخد، کافر و مرتد و مشرک و واجب القتل است. این فتوا هنوز هم روی سایت ها هست. سال گذشته هم در این زمینه، مفصل صحبت کردیم.

* * * * *

سوال

با توجه به این که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) تا وقتی حضرت خدیجه (سلام الله عليها) زنده بود، همسر دیگری اختیار نکردند، هم چنین امیر المؤمنین (علیه السلام) که تا وقتی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) زنده بود، همسر دیگری اختیار نکردند به خاطر مقام شامخ آنها، آیا روایتی از ائمه (علیهم السلام) وجود دارد که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) از طریق جبرئیل از خداوند دستور داشت که بخاطر مقام شامخ حضرت خدیجه (سلام الله عليها) تا وقتی او زنده است همسر دیگری اختیار نکند؟ هم چنین آیا رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) به حضرت علي (علیه السلام) دستور داده که تا وقتی حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) زنده است، همسر دیگری اختیار نکند؟

جواب

در این رابطه، شکی نداریم که نبی مکرم (صلي الله عليه و آله):

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

سوره نجم/آیه 4

إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ

سوره انعام/آیه 50

در گفتار و کردارش تابع وحی بوده و جز آنچه که به او وحی می شود، چیزی را انجام نمی دهد. مضافاً که قرآن می گوید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

پیامبر برای شما الگویی حسنه است.

سوره احزاب/آیه 21

مشخص است که تمام حرکات و سکنات پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) برای ما الگو است و وقتی می خواهد الگو باشد، باید سرچشمه گرفته از وحی باشد.

نسبت به حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) روایتی داریم در **تهذیب** که شیخ طوسی (ره) نقل می کند از امام صادق (علیه السلام):

عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: حرم الله النساء علي علي عليه السلام، ما دامت فاطمة عليها السلام حية.

خداوند تمام زنان عالم را بر حضرت علي (علیه السلام) حرام کرده است تا وقتی که حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها)

زنده است.

تهذیب الأحكام للطوسی، ج 7، ص 475

سوال

مطالبی که شما از منابع سنی ذکر می کنید، خیلی زیاد است؛ ولی شما گزینشی انتخاب می کنید. اینها را مشروح تر و مفصل تر بیان کنید.

جواب

ما بیش از این نمی توانیم مفصل تر صحبت کنیم و اگر بخواهیم برای هر يك روایت، مصادر مفصل بگوییم، در هر جلسه فقط باید چند روایت بیشتر نگوئیم. بارها هم آقای آقای هدایتی به من گفتند که برای هر روایتی، یکی دو تا مصدر کفایت می کند، چون وقتمان کم است.

* * * * *

سوال

کسی که هنوز به دنیا نیامده است، رسم نیست که برایش نام انتخاب کنند، این اسم گذاری از کجا آمده است؟

جواب

روایتی در این زمینه از نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) و ائمه (عليهم السلام) داریم که وقتی بچه در رحم مادر منعقد می شود و به ماه چهارم که ماه دمیدن روح بر بدن او است، اسم او را بگذاریم. گذاشتن اسم بر پدر و مادر لازم است و خود نبی مکرم (صلي الله عليه و آله)، طفلی که در رحم حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) بود و سقط شد در هجوم به خانه آن حضرت، نام او را محسن گذاشته بودند.

* * * * *

سوال

در مورد شجره نامه آقای عمر می خواستم بپرسم که چگونه است و پدر و مادرش کیستند؟

جواب

این عزیز، اگر این را می خواهد بداند، به شبکه های دیگر زنگ بزند. ما مبنای مان در **شبکه سلام** این است که از هرگونه مطالبی که اهانت و جسارت به مقدسات اهل سنت باشد، اجتناب می کنیم. بنای شبکه سلام هم بر همین است. چند روز قبل هم که آقازاده آیت الله العظمی شیرازی آمده بودند منزل ما و صحبت شد، گفتم که بنای ما در **شبکه سلام** بر این است که هیچ گونه اهانت و جسارتی به اهل سنت نشود. البته نقل حقائق تاریخی، ارتباطی به این مسائل ندارد؛ ولی از این گونه مطالب که نه نفع دین دنیای ماست و نه نان و آب ماست، اجتناب می کنیم.

به بینندگان عزیز که در هر کجای دنیا هستند، توصیه می کنم و تقاضای عاجزانه دارم که از بعضی از مطالبی که موجب جریحه

دار شدن عواطف و احساسات اهل سنت می شود، خودداری کنند. حتی چند شب قبل هم، سه تن از عزیزان مولوی اهل سنت آمده بودند منزل ما و من آنجا هم عرض کردم که ما به وحدت میان شیعه و سنی ارزش قائل هستیم و معتقدیم که از ضروریات اسلام است. ولی ما به تعبیر شهید مطهری (ره):

حاضر نیستیم برای وحدت، از يك مستحب كوچك يا مكروه كوچكمان دست برداريم.

ولی عزیزان هم انتظار نداشته باشند که بیائیم عقائد مسلم خودمان را هم نادیده بگیریم. من خدمت این عزیزان هم گفتم که آقایان اهل سنت بر این عقیده هستند که أبو طالب، پدر امیر المؤمنین (علیه السلام)، کافر از دنیا رفته و در آتش جهنم هم معذب است و ما هم به خاطر این، اهل سنت را مورد اهانت و تاخت و تاز قرار نمی دهیم. بله، اگر بخواهند به أبو طالب اهانت و جسارت کنند و سب و ناسزا کنند، در برابرش می ایستیم. در کنارش هم ما معتقد هستیم، ضمن این که عایشه را طبق نص قرآن، ام المومنین می دانیم، ولی عملکرد او را در خروج در برابر امام عصر خود نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) محکوم می کنیم و بر خلاف این آیه شریفه می دانیم:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ

سوره احزاب / آیه 33

این حق را هم به اهل سنت می دهیم که در این زمینه دلیل بیاورند و سخن ما را نقد کنند. ولی ما به خودمان اجازه نمی دهیم که جسارت و توهین کنیم و ناسزا بگوئیم.

سوال

شیعه و سنی قبول دارند و در منابع خودشان آمده است که **فاطمه سیده نساء العالمین** است و **الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة** است. اینها حقیقت را می فهمند، ولی این کفایت نمی کند. این روایات مشترك است. متأسفانه اهل سنت قبول نمی کنند و اگر کتاب های خودشان را مطالعه کنند حتی در مورد لعن بنی امیه روایت آمده است.

جواب

در این مورد، که اهل سنت دقت می کنند یا نه، توضیحاتی را قبلاً دادیم. خداوند هر کسی را نسبت به آن عقل و درکی که داده، محاسبه می کند. اگر برای کسی حق روشن و واضح شد و حق را نپذیرفت، در برابر خدای عالم مسئول است؛ چه شیعه باشد و چه سنی. و اگر حق روشن نشد و در جهل ماند، خداوند حکم را از جاهل برداشته است.

سوال

آیا وقتی پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) دين اسلام را آورد، مسئله شيعه و سني مطرح بود؟ آیا واقعا کلمه اي به اسم شيعه و سني بوده؟ يا بعدا دسته بندي شده است؟ و چه کسي باعث اين شد که دين است دو دسته بشود؟

جواب

در زمان نبي مکرم (صلي الله عليه و آله)، واژه اي که بر سنت بکار رفته باشد، ما نداريم. حتي خود ابن تيميه نسبت به حديث:

عليکم بسنتي و سنته الخلفاء الراشدين من بعدي.

مي گويد که روايت دروغ است. چون زمان پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) خلفاء راشدين در کار نبوده است.

اما در رابطه با اين که شيعه بوده يا نه؟ حدود 40 روايت داريم؛ نه يکي و دو تا، که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نسبت به

اميرالمؤمنين (عليه السلام) مثلا فرمود:

يا علي! انت و شيعتك في الجنة.

المعجم الأوسط للطبراني، ج 6، ص 354 - مجمع الزوائد للهيثمي، ج 9، ص 173

و چندين منابع ديگر.

يا بعد از نزول آيه شريفه:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

سوره بينه / آيه 7

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود که مراد از آنان:

أنت يا علي و شيعتك.

تفسير طبري، ج 30، ص 335 - الدر المنثور للسيوطي، ج 6، ص 379 - روح المعاني للأوسلي، ج 30، ص 207

در حدود اين 40 روايت، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) از شيعه اميرالمؤمنين (عليه السلام) نام برده است. اگر يك بزرگوار ي

اين روايات را نادیده مي گيريد و بي توجهي مي کند، ما تقصير و گناهي نداريم.

* * * * *

سخن پایانی

در آخر برنامه، از عزيزان و بينندگان که قلب شان براي آقا حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) مي تپد، چند توصيه دارم:

يکي اين که تلاش کنند گناه و معصيت در زندگي شان نشود؛ چون هرگونه گناهي که از ما سر مي زند، بر قلب مقدس آقا حضرت

ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) گران است و قلب مقدس ايشان از ما مي شکند. او رابطه بين ما و خداست:

بيمنه رزق الوري و بوجوده ثبتت الأرض و السماء.

ما معتقدیم که امروز، آقا حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) واسطه فیض است و هر حاجتی که خداوند بخواهد برای ما برآورده کند و مشکلی را برطرف و مریضی را بهبودی ببخشد، از کانال آقا حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) است. اگر ما گناه کنیم و قلب آقا حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) هم بشکند، قطعاً در قضای حوائج مان تأثیر گذار خواهد بود.

نکته دوم، توصیه ای است که وقتی خدمت آیت الله العظمی وحید خراسانی رسیده بودیم در رابطه با یک بحث مناظره که بنا بود

در **شبکه مستقله** داشته باشیم در دو سال قبل، به ما گفتند:

تا می توانید هر روز بعد از نماز صبح زیارت آل یاسین را بخوانید و رابطه خودتان را با آقا حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) محکم کنید.

زیارت آل یاسین، اثرات خیلی زیادی دارد و ارتباط ما را با امام زمان (علیه السلام) بیشتر می کند و قلب مقدس او را از ما خوشنود می کند. چون این زیارت، از زیارات پر مغز و پر محتوا است و انسان وقتی می خواند، حتی اگر ده سال هم بخواند، وقتی باز بخواند، باز هم در قلب او نورانیت ایجاد می کند.

عزیزانی که فرصت دارند بعد از نماز صبح، دعای فرج بزرگ را بخوانند که در غیبت امام زمان (علیه السلام) است و در اواخر **مفاتیح الجنان** آمده و تقریباً به اندازه دعای ندبه و کمیل است و با **اللهم عرفتنی نفسک** شروع می شود. این دعا، محکم و تأثیرگذار است و از ارتکاب گناه جلوگیری می کند و قلب انسان را صفا می دهد و رابطه را با امام زمان (علیه السلام) بیشتر می کند. مخصوصاً در آخر دعا که می گوید:

أنت یا رب الذی تکشف السوء و تجیب المضطر إذا دعاک، ... ، فاکشف یا رب الضر عن ولیک، و اجعله خلیفة فی أرضک كما ضمنت له.

خدا یا تو آن کسی هستی که گرفتاری ها را برطرف می کنی و دعای مضطر و بی چارگان را مستجاب می کنی، ... ، خدا یا سختی را از ولی خودت (امام زمان (علیه السلام)) برطرف کن و او را خلیفه در زمین قرار بده ...

بنده یادم می آید که تقریباً 14، 15 ساله بودم که توسط یکی از اساتیدم، وقتی این دعا را می خواندم، این تکه را از آن وقت در قنوتم می خواندم و انس می گیرم و اثراتی هم گرفته ام.

* * * * *

«و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»